

مروری بر یک رخداد

مروری بر نشست به اصطلاح صلح فرانسه

نشستی برای نابودی فلسطین

علی تلماج

به مقدسات و پایان دادن به محاصره ظالمانه نوار غزه اقدامی جدی را صورت دهند. نکته مهم دیگر در زمینه نشست پاریس آنکه این نشست در حالی برگزار شد که صهیونیست‌ها همچنان به سلطه‌گری خود ادامه می‌دهند، چنانکه نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی طی اظهاراتی مضحک و بی‌پایه و اساس مدعی شد: «قدس همچنان پایتخت یکپارچه اسرائیلی‌ها خواهد بود و تا ابد هم بدین شکل باقی خواهد ماند!» خبر دیگر آنکه رژیم صهیونیستی از آغاز سال ۲۰۱۶ حدود ششصد خانه فلسطینی را ویران کرده است. صهیونیست‌ها در ادامه سرکوب انتفاضه مردم فلسطین در کرانه باختری و شهر قدس، طی ماه گذشته نزدیک به ۵۰۰ فلسطینی را بازداشت کردند. نکته قابل توجه دیگر آنکه همزمان با نشست پاریس آمریکایی‌ها در جدیدترین گزارش خود درباره تروریسم اقدامی قابل تأمل صورت داده‌اند و آن قرار دادن نام جبهه مقاومت در فهرست تروریسم و حامیان آن است. بر این اساس آنها جمهوری اسلامی ایران را در صدر حامیان تروریسم قرار داده و گروه‌های مقاومت عراق، لبنان و گروه‌های فلسطینی همچون حماس را نیز تروریست نامیده‌اند.

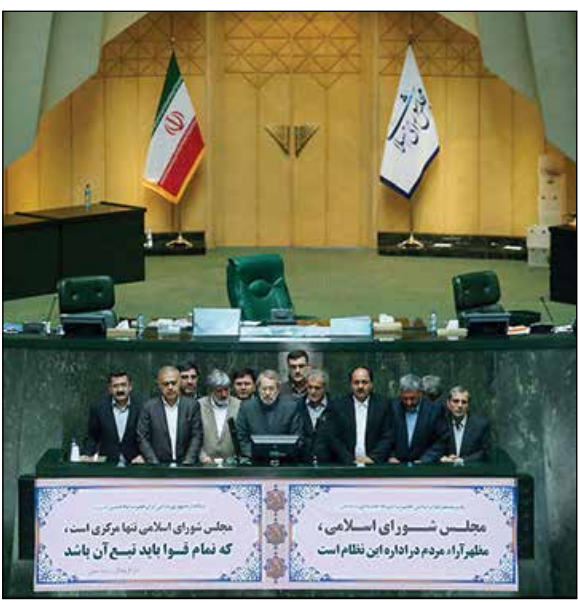
اکنون این سؤال مطرح می‌شود که نشست پاریس با چه هدفی برگزار شد و آیا واقعا می‌تواند به صلح ادعایی دست یابد یا خیر؟ با توجه به روند تحولات فلسطین و نیز آنچه در عرصه منطقه‌ای روی می‌دهد می‌توان گفت نشست پاریس صرفاً نام فلسطین را یکد کشیده؛ چرا که تنها مسئله‌ای که در آن مطرح نشده حقوق ملت فلسطین بوده است. در طول چند دهه اخیر روند سازش جز نابودی فلسطین نتیجه‌ای نداشته است، حال آنکه کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی به مذاکره نشست‌ه‌اند که به هیچ اصولی پایبند نبوده و صرفا به دنبال نابودی فلسطین و کل منطقه است. میزبان نشست، کشورهایی همچون فرانسه و آمریکا هستند که در سوگند خود حمایت کامل از رژیم صهیونیستی را دارند. در همین حال کشورهای عربی در این نشست حضور دارند که از یک سو روابط با رژیم صهیونیستی را افتخار خود می‌دانند و از سوی دیگر رفتارهایی همسو با خواست صهیونیست‌ها در منطقه انجام می‌دهند که رفتارهای سعودی در یمن و سوریه نمودی از آن است. با توجه به این وضعیت می‌توان گفت که نشست پاریس هر چند با نام حل مسئله فلسطین برگزار شده، اما در اصل محور آن را نابودی فلسطین تشکیل داده است. اگر واقعا کشورهای عربی به دنبال حمایت از فلسطین هستند از یک سو باید به حمایت‌های تسلیحاتی از گروه‌های مقاومت فلسطین بپردازند و از سوی دیگر در کنار مقاومت منطقه با تروریسم غربی – صهیونیستی مبارزه کنند که عدم رویکرد کشورهای عربی به این مؤلفه‌ها خود سندی بر دروغین بودن ادعاهای مطرح شده در نشست پاریس مبنی بر حمایت از فلسطین است که صرفاً برای تبلیغ چهره‌ای صلح‌طلب از فرانسه، آمریکا و کشورهای عربی برگزار شد و هیچ دستاورد مثبتی برای فلسطین به همراه نداشت.

پایش

سرسختی در برابر واقعیت

محسن فخری

«اصلاح‌طلبان در شورای شهر فقط یک الهه راستگو داشتن ولی تو این مدت ۴۰ – ۵۰ الهه راستگو فرستادن مجلس، باید از‌شون تشکر کنیم»، «عارف نشان داد افراد با شخصیت ندانستن ارزش دستاوردها و تقدیم علمی نباید به سیاست ورود کنند»، «مردم فهمیدند چرا باید به لیست امید رأی بدهند، ولی خود اعضای لیست امید نفهمیدند»، «خوب شد بدهی‌مون با عارف صاف کردیم،



امیدوارم دیگه شاهدش نباشیم» منتشر شد تا بار دیگر نشان داده شود که جریان اصلاح‌طلبی ظرفیت پذیرش شکست در هیچ انتخاباتی را ندارد!

البته در ایـن بیـن برخی از رسانه‌های نزدیک به اصلاح‌طلبان سرانجام با پذیرش این واقعیت که آنها در اقلیت هستند، به انتقاد از عملکرد رفتار اصلاح‌طلبان در مجلس پرداختند. روزنامه «آرمان» این‌باره با اشاره به «اشتباه استراتژیک اصلاح‌طلبان» در نامزد کردن عارف مقابل لاریجانی برای ریاست مجلس می‌نویسد: «اصلاح‌طلبان باز هم

و با تعداد آرای کمتر از آرای سفید مأخوذه در این انتخابات در برابر علی لاریجانی، نماینده فراکسیون ولایت فضای مجازی به راه انداخت که ژست اخلاق‌مداری بسیاری از رسانه‌ها و چهره‌های سیاسی را با خود برد. حضور محمدرضا عارف، اصلی‌ترین چهره اصلاح‌طلبان مجلس در انتخاب هیئت‌رئسه موقت و شکست نسبتاً سنگین وی سبب شد که بار دیگر شاهد سرسختی اصلاح‌طلبان در برابر پذیرش واقعیت یک انتخابات باشیم.

انتخاب علی لاریجانی در مقام رئیس دهمین دوره مجلس شـورای اسلامی طوفانی را در رسانه‌ها و فضای مجازی به راه انداخت که ژست اخلاق‌مداری بسیاری از رسانه‌ها و چهره‌های سیاسی را با خود برد. حضور محمدرضا عارف، اصلی‌ترین چهره اصلاح‌طلبان مجلس در انتخاب هیئت‌رئسه موقت و شکست نسبتاً سنگین وی سبب شد که بار دیگر شاهد سرسختی اصلاح‌طلبان در برابر پذیرش واقعیت یک انتخابات باشیم. روزنامه «آفتاب‌یزد» دفن اخلاق را تیتیر یک خود می‌کند و از تهدید و تلمیع نمایندگان از سوی لاریجانی سخن به میان می‌آورد(۱) و می‌نویسد: «بالاخره تلمیع و مصلحت‌اندیشی بیجا شمرتمـر واقع شد و جمع کثیری از نمایندگان برآمده از لیست امید به اندک دوزندگان ردای ریاست برای علی لاریجانی پیوستند و جامه ریاست مجلس دهم را همان‌طور که او بر کرسی زهم‌درنگ واقع در صدرنشین بهارستان تکیه زده بود، بر تنش کردند و پیام رأی مردم به تغییر را نشنیده گرفتند» و «یاران لاریجانی از ابزارهای مالی و ارائه تسهیلاتی چون مسکن و بیمه و سایر وعده‌های اقتصادی برای اقناع و تطمیع نمایندگان منتخب مردم در همایش «فرایند قانون‌گذاری؛ الزامات و راهکارها» بهره برده‌اند. ریزش آرای نمایندگان به سید علی لاریجانی بیانگر آن است که آنها به این دعوت‌ها لبیک گفتند و آرای خود را در سبید علی لاریجانی ریختند.» آنچه گفته شد، تنها بخشی از جملات توهین‌آمیز این روزنامه اصلاح‌طلب در این‌باره است که البته تنها نوشتار با این مضمون هم نیست. اظهارنظر عجیب دیگری که نمایندگان مردم در مجلس دهم را به دروویی متهم می‌کند، متعلق به مصطفی کواکبیان است. وی که خود نیز در انتخابات ریاست دائم مجلس دهم شرکت کرد

رهیافت

نگاهی به سیاست‌های آل سعود برای مقابله با جبهه مقاومت

سناریوهای عربستان برای آینده سوریه

امیر حسامی

حمله کردها به رقه، ورود نیروهای نظامی ترکیه به شمال سوریه، کنار رفتن محمد علوش از گروه معارضان سوری و وقوع برخی تحولات میدانی، همگی از سناریویی جدید علیه سوریه حکایت دارد. سناریویی که از ابتدا با محوریت عربستان و حمایت همه‌جانبه این کشور صورت گرفته است. عادل الجبیر در موضعی که به‌تازگی درباره سوریه گرفت، اعلام کرد: عربستان آماده است در راستای فرماندهی آمریکا به صورت زمینی به سوریه حمله کند. این سخنان مقام سعودی و تحریک معارضان، همچون علوش به کناره‌گیری از روند مذاکرات نشان از دو رویکرد عربستان برای



آینده سوریه دارد:

۱-عربستان به نوعی سیاست وقت‌کشی را در دستور کار خود قرار داده است؛ یعنی نه می‌خواهد منازعه در سوریه پایان یابد و نه به دنبال حل بحران سـوریه از طریق سیاسی است. عادل الجبیر در سخنان اخیر خود آشکارا به این موضوع اشاره کرد که به حمایت‌های خود از معارضان مسلح ادامه خواهند داد. این موضع‌گیری به این معناست که ریاض به دنبال پایان بحران سوریه نیست و درگیری میدانی تنها راه پایان این بحران است. البته باید به این نکته نیز اشاره کرد که ریاض تا پایان ریاست‌جمهوری اوباما و روی کار آمدن رئیس‌جمهور جدید خواهان حل بحران سوریه نیست و با توهم ریاست جمهوری کلینتون و هم پیمان بودن خانواده وی با پادشاهی آل سعود، درصدد است به ایفای نقش بهتر و مؤثرتر در منطقه و سوریه بپردازد.

۲-عربستان به دنبال گرفتن امتیازی خارج از حد متعارف است. از این رو به دنبال برکناری بشارسد است و در صورت ناکامی، قصد دارد

گادوم

طرح دولت انتقالی را به اجرا بگذارد. دولت انتقالی مورد نظر عربستان نیز دولتی بدون حضور بشار اسد و تلفیقی از معارضان مسلح و معارضان داخلی است. در بحث دولت انتقالی، همین کشورها نیز به نوعی با یکدیگر اجماع ندارند؛ زیرا برخی کلاً منکر وجود حضور دولت فعلی هستند و برخی دیگر به دنبال قدرت‌یابی معارضان در دولت انتقالی هستند. به هر حال، عربستان تا جایی که امکان دارد بر مواضع خود پافشاری می‌کند تا بتواند به حداکثر امتیاز دست پیدا کند.

حال باید به این پرسش نیز پاسخ داد که برکناری «محمد علوش» از مذاکرات اخیر در راستای همین سناریوهای عربستان بوده است؟ آیا اراده‌ای غیر از اراده علوش در پشت پرده این امر قرار دارد؟ علوش که مذاکره‌کننده‌ارشد گروه مخالفان مسلح ریاض و مورد حمایت عربستان سعودی و نماینده گروه تروریستی جیش‌الاسلام است، علت استعغای خود را «عقیم ماندن» مذاکرات صلح در سوریه بیان و اعلام کرد که این مذاکرات نتیجه‌ای برای انتقال سیاسی بدون بشار اسد نداشته است. اما در بحث چرایی استعغای علوش، بیشتر تحلیلگران کارشنکی عربستان را عامل این امر می‌دانند. در همین زمینه میخائیل بوگدانف، معاون وزیر خارجه روسیه واکنش نشان داد و گفت: «حذف علوش از مذاکرات دارای نتایج سازنده‌ای خواهد بود؛ چرا که این افراد به طور کلی موضعی غیرسازنده اتخاذ می‌کردند و نمی‌خواستند درباره موضوعی سازنده به توافق برسند.» جیش‌الاسلام که رهبری آن برعهده علوش است، گروهی مورد حمایت ریاض و حاکمان فاسد سعودی است. بنابراین، نمی‌توان گفت که علوش تنها به دلیل بحث مذاکرات کنار کشیده است. به یقین اراده‌ای خارج از اراده وی پشت این کناره‌گیری قرار دارد.

عربستان امروزه با مهره‌چینی وسیع و گسترده در داخل سوریه، تجهیز مخالفان و اعلام حمایت از معارضان به نوعی افسار این گروه‌ها را در دست دارد. مهم‌ترین پیام ریاض از کناره‌گیری علوش، نشان دادن قدرت ریاض در نقش بازیگر اصلی در تحولات سوریه است. به نوعی عربستان این پیام را به روسیه و حتی آمریکا داده است که توافقاتی همچون آتش‌بس یا مذاکرات سیاسی بدون حضور ریاض و حمایت این کشور امکان‌پذیر نیست.

عربستان بر پایه سیاست تفرقه‌افکنی و جلوگیری از تغییر موازنه قوا به سـود ارتش و همچنین پیشروی‌های اخیری که در منطقه منبج رقه از سوی کردها صورت گرفته، بازیگران خارجی سوریه را به تکاپو انداخته است که به هر صورت ممکن موازنه را به نفع خود و معارضان برگردانند.

اقتصادی

سعید مهدوی

اقدامات فوری برای مدیریت نقدینگی

در ابتدای مردادماه سال ۱۳۹۲ و همزمان بسا تغییر دولت، حجم نقدینگی کشور ۴۷۹ هزار میلیارد تومان بود. با تغییر دولت، رشد نقدینگی سرعت گرفت و طی حدود ۲/۵ سال بیش از دو برابر شد. بر اساس آخرین آماری که بانک مرکزی اعلام کرده، حجم نقدینگی در پایان اسفندماه سال گذشته به ۱۰۱۷ تریلیون تومان رسیده است. این آمار نشان می‌دهد که در دولت یازدهم نزدیک به ۵۳۸ هزار میلیارد تومان نقدینگی جدید به اقتصاد کشور افزوده شده است.

مجموع اسکناس و مسکوکات در دست مردم به علاوه سپرده‌های کوتاه مدت(پول) و سپرده‌های بلندمدت (شبه‌پول) نقدینگی را تشکیل می‌دهد و مجموع اسکناس و مسکوکات و منابع اعتبارات بانکی، مهم‌ترین اجزای تشکیل‌دهنده نقدینگی هستند.

دکتر پیمان قربانی، معاون اقتصادی بانک مرکزی در همین زمینه بیان کرده است: هرچند رشد نقدینگی باید مدنظر قرار گیرد، اما باید در صدر این مجموعه، نرخ تورم، هدایت و ثبات ارز، مدیریت رشد نقدینگی، ترکیب ترازنامه بانک مرکزی و غیره را نیز مورد توجه قرار داد و خوشبختانه مشاهده می‌شود که نرخ تورم به نحو مطلوبی کاهش یافته و هم‌اکنون نزدیک ۱۱ درصد است و با توجه به سطح پایین تورم نقطه به نقطه پیش‌بینی می‌شود در ماه‌های آینده به محدوده تورم یک رقمی وارد شویم.» وی در ادامه افزود: «رشد نقدینگی یکی از مسائلی است که به‌عنوان هدف میانی برای سیاستگذار پولی در راستای دستیابی به هدف نهایی (تورم) مدنظر است و در همین راستا سال گذشته اقداماتی در زمینه رشد نقدینگی در راستای تصمیمات گروه اقتصادی دولت انجام شد؛ چرا که باید به رشد اقتصادی کمک می‌شد.»

در عین حال برخی کارشناسان معتقدند این کاهش نرخ تورم با آنکه اقدامی قابل تقدیر است، اما نتوانسته در قدرت خرید مردم اثری داشته باشد و در واقع وضع معیشت مردم به ویژه قشر ضعیف با سال‌های پیش تفاوت چندانی نکرده است؛ بلکه برخی از کارشناسان معتقدند که نرخ تورم از نرخ که از سـوی مرکز آمار اعلام می‌شود بسیار بیشتر است و نرخ واقعی آن حدود ۲۰ درصد است.

از نظر اقتصادی آنچه در زمینه نقدینگی و میزان رشد با کاهش آن اهمیت فراوانی دارد، رابطه‌ای است که این شاخص با نرخ تورم دارد. رابطه‌ای که به اعتقاد اکثر صاحب‌نظران اقتصادی رابطه‌ای مستقیم است. تورم متأثر از عوامل گوناگونی است که مهم‌ترین آنها افزایش حجم نقدینگی (افزایش حجم پول اعم از اسکناس و اعتبار در جامعه) کاهش تولید و ضعف بنیان‌های اقتصادی، افزایش هزینه‌ها و افزایش تقاضاست که در این میان، نقدینگی بیش از همه در رشد تورم نقش دارد. دولت نیز به این رابطه اقتصادی ایمان دارد و این نرخ تورم سوری را به نوعی پذیرفته و بر مبنای آن، این طور استدلال می‌کند که این نقدینگی در بازار سرگردان نیست و در افزایش نرخ رشد اقتصادی نقش دارد. غافل از اینکه به دلیل سود بالای بانکی که نمونه آن سود روزشمار ۱۸ درصد است، نقدینگی عظیمی به بانک‌ها بلوکه شده که در حرکت چرخ‌های اقتصاد کشور و خارج شدن از این وضعیت رکودی نقش بسزایی ایفا نمی‌کند و بیشتر به بنگاهداری بانک‌ها که در اینجا مجال بحث آن نیست، کمک می‌کند.

گفتنی است، در صورتی که دولت بستر افزایش حجم نقدینگی را فراهم کند جای برای بحث ندارد و بی‌شک با در نظر گرفتن یکسری ملاحظات به رشد اقتصادی منجر می‌شود، ولی اکنون حجم بالایی از نقدینگی در اقتصاد کشور وجود دارد که نه بازار بورس که تابولی اقتصاد هر کشور است از آن منفعت می‌برد که شاخص‌هایش را بالا بکشد و نه به بخش تولیدی اقتصاد کمک می‌کند؛ زیرا شرکت‌های تولیدی از نبود نقدینگی رنج می‌برند و بسیاری از ادامه راه بازمانده و ورشکست شده‌اند.